

## بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

علی قاسمی اردهایی\*      فیروز راد\*\*      حمیده ثوابی\*\*\*

### چکیده

کاهش باروری در ایران مباحث زیادی پیرامون وضعیت جمعیت مطرح کرده است. در این مقاله تغییرات رفتار باروری زنان بر حسب وضعیت اجتماعی - اقتصادی زوجین بررسی شده است. با روش تحقیق پیمایش، اطلاعات مورد نیاز از ۴۱۰ زن همسر دار ۱۵ الی ۵۰ ساله‌ی شهر تبریز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمده است. تحلیل‌های دو متغیره و چند متغیره نشان می‌دهد سطح تحصیلات زنان مهم‌ترین عامل مؤثر در تعداد فرزند، تعداد فرزند ایده‌آل، سن ازدواج، به کارگیری نوع وسیله‌ی پیشگیری از بارداری و داشتن ترجیح جنسی فرزند است. بی‌سواد بودن زنان و نیز داشتن تحصیلات ابتدایی که بیشتر آنها را در پایگاه اجتماعی پایین قرار می‌دهد، زمینه‌های سن ازدواج پایین و در نتیجه باروری بالا را برای آنها فراهم نموده است. در کنار تحصیلات زنان، مرتبه‌ی شغلی زن و همسرش، میزان درآمد و هزینه‌ی خانواده و نیز میزان پایگاه اجتماعی - اقتصادی محاسبه شده برای زوجین، در تغییر نگرش به نوگرایی و در نتیجه در رفتار باروری زنان از جمله سن ازدواج آنان مؤثرند. همه‌ی زنان بررسی شده با سطوح اجتماعی و اقتصادی مختلف، تمایلی برای بالا بردن فرزندآوری از طریق سیاست‌های تشویقی افزایش مولید ندارند. عقیده‌ی آنها به ویژه زنان برخوردار از پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا این است که بسته‌های تشویقی بلند مدت نبوده و نمی‌تواند تضمینی برای بهتر شدن وضعیت زندگی فرزندانشان در آینده باشد.

### واژگان کلیدی

رفتار باروری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات زنان، ایده‌های نوگرایی، هزینه - فایده باروری.

---

\*- استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور. ardahaee@ut.ac.ir

\*\* - استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور.

\*\*\* - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و مدرس مدعو دانشگاه پیام نور. savabi333@yahoo.com

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌ی ایران در چند دهه‌ی اخیر تحولات جمعیت شناختی چشمگیر از جمله کاهش باروری را تجربه کرده است. مهم‌ترین عاملی که ساختار سنی یک جمعیت را می‌تواند دگرگون سازد، سطح باروری است. کاهش باروری به سطح زیر جانشینی از مشکلات جمعیتی هر کشوری محسوب می‌شود که عوارض آن در زمینه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نمایان است. این امر مسئولین و برنامه‌ریزان جمعیتی را به تکاپو واداشته که در راستای ایده‌های افزایش باروری گام بردارند. برای این امر باید گروه‌های هدف را شناسایی کرد.

پایگاه فرد، موقعیت اجتماعی- اقتصادی وی را نسبت به دیگر افراد جامعه تعیین می‌کند. در جمعیت شناسی، عوامل اجتماعی و اقتصادی می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در تغییر رفتار باروری داشته باشد. پرسش آغازین مقاله این است که موقعیت‌های اجتماعی- اقتصادی (پایگاه) زوجین چه تأثیری می‌تواند در رفتار باروری آنها داشته باشد؟

کاهش سریع باروری در ایران طی دهه‌های اخیر انگیزه‌ی انجام مطالعات متعددی در زمینه‌ی تحولات باروری و عوامل مؤثر در آن را ایجاد نموده است. تغییرات ساختار خانواده و کاهش باروری (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۷۵-۲۵)، افزایش سن باروری زوجین و باروری جایگزینی (بهجتی‌اردکانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴۵-۳۳۱)، عوامل اجتماعی- اقتصادی و جمعیتی و رفتار باروری (اکبری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۰)، تغییرات اندیشه‌ای

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

زوجین و رفتار و ایده‌آل‌های باروری (حسینی و عباسی‌شوازی، ۱۳۸۸: ۸۴-۵۵)، سرمایه‌ی انسانی و استقلال زنان و همگرایی باروری (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۶۳)، ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری (عباسی شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹: ۵۱-۳۱) و سرمایه‌ی اجتماعی و رفتار باروری (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۴-۷۹) از جمله موارد مورد توجه است. از نکات قابل توجه کاهش باروری در ایران، عمومیت این کاهش در تمامی مناطق کشور است. به طوری که بعد خانوار شهری از  $\frac{4}{9}$  در سال ۱۳۵۵ به  $\frac{3}{5}$  در سال ۱۳۹۰ و بعد خانوار روستایی از  $\frac{5}{2}$  به  $\frac{3}{7}$  کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵؛ ۱۳۹۰). بنابراین، باروری به عنوان تنها عامل افزایش جمعیت در مقیاس جهانی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد و پیامدهای حاصل از آن، از جمله مسائل چند بعدی و پیچیده‌ی جوامع انسانی است.

از نظر کاهش میزان باروری، ایران به عنوان یک کشور اسلامی شرایط منحصر به فردی دارد. سرعت کاهش باروری در ایران تا حدی بوده که این کاهش از پیش‌بینی‌های جمعیتی و برنامه‌های تنظیم خانواده که توسط دولت از سال ۱۹۸۹ میلادی (۱۳۶۸ شمسی) آغاز شده بود، پیشی گرفته است (ضیایی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۲۲). تجربه گذار باروری در ایران بیانگر آن است که هرچند برنامه‌های تنظیم خانواده عامل مؤثری در سرعت کاهش باروری بوده است، اما رفتارهای باروری تحت تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌های دیگری شکل گرفته است که در تحلیل روندهای باروری باید به آنها توجه کرد (حسینی، ۱۳۹۰). بالا رفتن تحصیلات زنان، شرکت زنان در

نیروی کار، سکونت شهری، افزایش درآمد و سطح توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در رفتار باروری زنان تأثیرگذار است (Adhikari, 2010). به عبارتی، همراه با دگرگونی در ساخت و کارکردهای خانواده، پایگاه زنان نیز تغییر می‌کند. شهرنشینی و تحصیلات بالای زنان امکان یافتن شغلی خارج از خانه را برای ایشان فراهم کرده و به استقلالشان در قبل و بعد از ازدواج کمک می‌کند. پس، امروزه زنان در تصمیم‌گیری نسبت به فرزندآوری و مراقبت و آموزش فرزندان خود آزادی بیشتری دارند.

طبق آمار سازمان ملل، در سال ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۹ شمسی) حدود ۴۴٪ از جمعیت جهان در کشورهایی که باروری پایین دارند زندگی می‌کردند. انتظار می‌رود این نسبت به ۶۷٪ در سال ۲۰۱۵ افزایش یابد. در ایران نیز کاهش باروری از اواخر ۱۹۸۰ و سراسر ۱۹۹۰ ادامه داشته و به سطح باروری جانشینی در ۲۰۰۰ (۱۳۷۹ شمسی) رسیده است (Abbasi-shavazi, 2007). ارتقاء موقعیت اجتماعی- اقتصادی زنان موجب آگاهی ایشان در موضوعات گوناگون از جمله باروری شده است، زیرا امروزه زوجین بیشتر از گذشته توانسته‌اند با کسب آگاهی‌های لازم در این باره بر کنترل موالید دست یابند. از این رو، ضرورت انجام این مطالعه، بررسی میزان تأثیر پایگاه زوجین در تغییرات باروری در دهه‌های اخیر است و دیگر اینکه آیا تفاوت معنی‌داری در مؤلفه‌های رفتار باروری بر حسب شاخص‌های پایگاه وجود دارد؟ از اهداف دیگر این مطالعه، سنجش نگرش (میزان موافقت) زنان نسبت به طرح‌های تشویق ازدیاد موالید همانند «طرح آتیه‌ی نوزاد» است.

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

برای دستیابی به اهداف و جواب سؤالات ذکر شده، زنان ۱۵ الی ۵۰ ساله‌ی همسر دار در شهر تبریز بررسی شدند.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

چندین رویکرد نظری برای سنجش مفهوم پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد وجود دارد. در دیدگاه تضاد؛ توزیع نابرابر قدرت، مالکیت و پرستیژ اجتماعی نوعی امتیاز به شمار می‌آید که عده‌ای بیش از دیگران به این امتیاز دست می‌یابند (نایی و عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۲۳۶-۲۰۶). مارکس که آرای او بیشتر از همه با قشربندی اجتماعی در ارتباط است، تعارض میان طبقات را اصل گریزناپذیر جامعه می‌داندست و معتقد بود که پایگاه طبقاتی افراد، به رابطه‌ی آنها با وسایل تولید بستگی دارد (کونن، ۱۳۸۳). در دیدگاه وبری سه عنصر مهم مالکیت، ثروت و پرستیژ اجتماعی (Marks, 2009) تشکیل دهنده‌ی پایگاه هستند. از نظر وی معیار قضاوت درباره‌ی پایگاه افراد در جامعه، دوری یا نزدیکی آنها به ارزش‌های حاکم در جامعه است. میزان تحصیلات، اصل و نسب و موقعیت شغلی گاه به عنوان مبنایی برای ارزیابی پایگاه افراد به کار می‌رود. همچنین به عقیده‌ی وی قضاوت درباره‌ی پایگاه افراد به موقعیت اقتصادی فرد نیز وابستگی غیرمستقیم دارد (ملک، ۱۳۸۶). استدلال گیدنز بر این است که پایگاه، مقام و جایگاهی است که جامعه به فرد یا گروه خاصی اعطا می‌کند. این مقام متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی و مؤلفه‌های آن است (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵). به عقیده‌ی رانگ افراد از پایگاه یا موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر، باروری بالاتری دارند و افراد متعلق به پایگاه

بالا فرزندآوری کمتری را تجربه می‌کنند و فرزندان بیشتر را به عنوان بار اقتصادی تلقی می‌کنند. در نتیجه این طبقه بیشتر به کیفیت فرزندان توجه می‌کنند تا کمیت فرزند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۰۵). یکی از مناسب‌ترین تبیین انتخاب عقلانی برای مطالعه‌ی موقعیت اجتماعی-اقتصادی و رفتار باروری، از بکر گرفته شده است. از نظر وی کودکان نیز همانند سایر کالاها از دید پدر و مادر ارزیابی می‌شوند. به نظر می‌رسد والدینی که خواستار ثروت بیشتری هستند، والدین تحصیل کرده‌ای که رتبه‌ی شغلی آنها بالا و هزینه‌ی فرصت‌هایشان نیز زیاد است و نیز والدینی که به دلیل برخورداری از درآمد بیشتر، دسترسی آسان‌تری به ابزارهای کنترل باروری دارند خواستار فرزندان کمتری هستند. در عوض، والدین کم‌درآمد، صاحبان مشاغل پایین و فاقد امکان دسترسی به روش‌های کنترل باروری، فرزندان بیشتری خواهند داشت (منصوریان و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۴). تحقیقات نشان می‌دهد بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد و جوامع با میزان باروری رابطه‌ی معکوسی دارند. به گونه‌ای که بالا رفتن پایگاه و ثروت افراد میزان باروری را کاهش می‌دهد (Skirbekk, 2008). نتایج تحقیقی در کشور نپال نشان می‌دهد بهبود موقعیت اجتماعی زنان به طور عمومی در رفتار باروری آنها مؤثر است (Mitra, 2004). به عقیده‌ی گیدنز امروزه داشتن فرزند نسبت به گذشته بیشتر تصمیمی عاطفی است. این در حالی است که در گذشته، فرزندان به عنوان اعضای اصلی اقتصاد خانواده مطرح بودند و فرزند زیاد، به ویژه داشتن فرزند پسر، به منظور کسب درآمد بیشتر و یا دفاع از خانواده در تعارضات یک ارزش به

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

شمار می‌رفت (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۰۹).

جهت تبیین تغییرات باروری، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. بر مبنای نظریه‌ی انتقال جمعیتی که رویکرد کلان در اقتصاد باروری است، جوامع در مسیر حرکت به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و نوگرایی، انتقال جمعیتی را تجربه می‌کنند. هرچه توسعه یافتگی در جامعه‌ای بالا باشد، انتظار می‌رود میزان باروری در آن جامعه پایین‌تر باشد، زیرا موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی افراد نیز در چنین جامعه‌ای تغییر خواهد کرد (عباسی شوازی، ۱۳۸۳). از نظر دیویس زمانی که خانواده‌های بزرگ در معرض مشکلات و تنگناهای اقتصادی قرار می‌گیرند و نمی‌توانند از مزایای فرصت‌های فراهم شده از طریق توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند گردند، تلاش می‌کنند با پاسخ‌های مختلف خودشان را با تغییرات به وجود آمده سامان دهند. افراد از طریق تأخیر در ازدواج و یا افزایش تجرد و یا اینکه از طریق کنترل باروری نکاحی با استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی و یا سقط جنین عمدی، پاسخ می‌دهند (حسینی، ۱۳۹۰). تعدادی از محققان از تغییرات اقتصادی به عنوان تعیین‌کننده‌ی انتقال باروری انتقاد کردند. مطالعات انجام شده درباره‌ی باروری در اروپا و همچنین مشاهده‌ی انتقال باروری در کشورهای در حال توسعه، به این نتیجه انجامید که کاهش باروری محصول انتشار ایده‌های جدید و شناخت تنظیم باروری است (عباسی شوازی، ۱۳۸۳). مطابق نظریه‌ی نوسازی، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده‌ها نسبت به شکل‌گیری خانواده و فرزندآوری تغییر پیدا کرده است. به عبارتی شهرنشینی و صنعتی

شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که گرایش به فرزندآوری و پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌کند و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد. بحث اصلی این است که کاهش باروری یکی از نتایج مستقیم مدرنیزاسیون و صنعتی شدن است (United nation, 1990). ملاحظه می‌شود نوگرایی و تغییر موقعیت اجتماعی - اقتصادی زوجین و نیز انتشار ایده‌های جدید در رفتار باروری آنها تأثیرگذار است.

نظریه‌ی نوسازی بر این پیش‌فرض مبتنی است که تغییرات عمیقی در نقش‌های جنسیتی به موازات فرایند نوسازی رخ می‌دهد. با وجود اینکه جوامع سنتی فرزندآوری و پرورش فرزندان را همچون آشپزی کار اصلی زنان در زندگی می‌دانند، ولی در جوامع صنعتی نقش‌های جنسیتی به خاطر انقلاب ساختاری در نیروی کار دستمزدی، فرصت‌های تحصیلی برای زنان و ویژگی‌های خانوادگی مدرن، روز به روز به هم نزدیک‌تر می‌شوند. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، زنان سن ازدواج بالایی دارند و فرزندان کمتری نسبت به نسل‌های قبل به دنیا می‌آورند (Inglhart & noris, 2003: 69-70). بیلی رام عقیده دارد تشویق مشارکت زنان در نیروی کار، زنان را وادار کرده است تا سطح باروری خود را پایین نگه دارند، این امر باعث ایجاد نوعی مکانیسم خود مدیریتی شده است. در این فرایند زمانی که والدین در اوج درگیری‌های شغلی خود هستند، زادوولد معمولاً به تعویق می‌افتد (Ram, 2003: 297-326). امروزه، در بسیاری از کشورها زنان همچون مردان به آموزش و تحصیل دسترسی دارند. با وجود این، ممکن است آنها برای



بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

بهره‌مندی بیشتر از این فرصت‌ها زمان باروری‌شان را یا به تأخیر بیاندازند و یا اینکه به تک فرزندی اکتفا کنند، زیرا زنان به واسطه‌ی تحصیلات و کسب شغل، عرصه‌ی اجتماعی را بیشتر تجربه می‌کنند و به تبع آن به دنبال تحقق انتظارات و آمال و آرزوهای فردی خود هستند.

وقتی توسعه تحقق پیدا کرد، یعنی معیارهای زیستی و موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی افراد ارتقا یافت، زادوولد و باروری کاهش می‌یابد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۵۰). از نظر بکر و بارو، فرزندان به عنوان کالای مصرفی بادوام در نظر گرفته می‌شوند. این رویکرد تأکید بر درآمد و هزینه‌ی فرزندان همانند هزینه‌ی رشد و تربیت، فرصت‌های از دست رفته برای زنان (اشتغال) و سطح درآمد خانواده دارد (Becker & Barro, 1986: 69-79). آنها بین هزینه و شرایط نگهداری از کودکان تمایز ویژه قائل می‌شوند و ادعا می‌کنند شرایط نگهداری از کودکان موضوعی است که والدین آن را انتخاب کرده و آن همان کیفیت زندگی فرزندان است (Willis, 1974). لبینشتاین استدلال می‌کند به موازات شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع، مشاغل کمتری برای فرزندان در دسترس است. در نتیجه با افزایش هزینه‌های تربیت فرزندان مزایای اقتصادی آنها کاهش می‌یابد (حسینی، ۱۳۹۰). وی معتقد است در تحول تولید خانگی به تولید سرمایه‌ای، فرزنددار شدن به خاطر مخارج تحصیل و تربیت آنها کمتر اقتصادی شده است. در اقتصادهایی که تورم فشار شدیدی بر مردم فقیر و متوسط می‌آورد، ناتوانی در تغذیه‌ی کودکان، تهیه‌ی لباس و سایر تسهیلات برای والدین بار سنگینی است و فشار تورم مانع باروری است (کلانتری

و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۳۲). یافته‌های سابتکا و همکارانش در بررسی دلایل اقتصادی و رفتار باروری نشان می‌دهد در طول رکود اقتصادی روند باروری نیز کاهش می‌یابد. در آمریکا افرادی که بیکاری، کاهش دستمزد و ناثباتی شغلی را تجربه می‌کنند، باروری کمتری را نیز تجربه می‌کنند (Sobtko & etal, 2010).

بکر و مینسر<sup>۱</sup> معتقدند فرزندان از هر کالای دیگر برتر و از هر کالای دیگر بیشتر هزینه و خرج دارند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد به موازات افزایش درآمد، هزینه‌ی کودکان زودتر از هزینه‌ی سایر کالاها و خدمات بالا می‌رود. از این رو مسئله‌ی تقاضا برای داشتن فرزند زیاد با افزایش درآمد کاهش پیدا می‌کند (Macunovich, 2002). این باور که باروری با افزایش هزینه کاهش می‌یابد، سابقه‌ی قدیمی در اقتصاد دارد. در کنفرانس جهانی جمعیت در سال ۱۹۷۴ رابطه‌ی معکوس بین میانگین مولید و درآمد مشخص شد؛ برای نمونه، بکر رابطه‌ی معکوس بین درآمد و میزان باروری را بر اساس آمارهای سال‌های ۱۹۱۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ نشان داده است (Cor- doba & Ripoll, 2011). به نظر کالدول تحصیلات از طریق کاهش منافع ناشی از کار فرزندان، افزایش هزینه‌های فرزندان، افزایش هزینه‌های ماهیت سرمایه‌ای فرزندان، تغییر فرهنگی باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عقیده‌ی وی در جوامع سنتی جهت ثروت در درجه‌ی اول از فرزندان به والدین است، ولی در جوامع توسعه یافته با تغییر شکل ساختار خانواده

1. Becker and Minser

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

ثروت از والدین برای فرزندان منتقل می‌شود (Kaplan & Bock, 2001). پس، در جوامع امروزی از والدین انتظار می‌رود تا رفاه اقتصادی فرزندانشان را فراهم کنند. بنابراین، تعداد کمتر فرزند فشار اقتصادی کمتری را برای والدین به همراه داشته و از طرفی کیفیت زندگی فرزندان را بالا می‌برد. هافمن و هافمن (به نقل از لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۱۰) یک سیستم ارزش را که متشکل از نه مقوله است به وجود آوردند؛ هشت ارزش غیراقتصادی و یک سودمندی صرفاً اقتصادی. نتایج نشان داد والدین روستایی بر منافع اقتصادی فرزندان و والدین شهری بر جنبه‌های احساسی و روان‌شناختی داشتن فرزند تأکید می‌کنند.

در این مقاله می‌توان عنوان کرد که تغییر در هر یک از شاخص‌های موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین (به خصوص در زنان) تغییر در نگرش نسبت به رفتار باروری را به وجود می‌آورد. برای نمونه، بالا رفتن سطح تحصیلات زنان موجب افزایش سن ازدواج شده که این نیز به نوبه‌ی خود با رفتار باروری مرتبط است.

### ۳- روش پژوهش

روش مطالعه پیمایش است. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است که قسمت عمده‌ی آن برگرفته از پرسشنامه‌ی پژوهش «تحولات باروری در ایران» (عباسی‌شوازی، ۱۳۸۳) - که اعتبار و روایی آن تأیید شده است - می‌باشد. جامعه‌ی آماری، زنان ۱۵ الی ۵۰ ساله‌ی همسرदार ساکن شهر تبریز است که بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس

و مسکن ۱۳۹۰ حدود ۳۶۹ هزار نفر است. بر اساس فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۱۰ نفر انتخاب شدند. از آنجا که تقسیم‌بندی مناسب و مستندی از وضع اجتماعی و اقتصادی مناطق هشت‌گانه تبریز در دسترس نیست، با مشورت متخصصان و مطلعین و با این فرض که مناطق مختلف از لحاظ سطح اجتماعی-اقتصادی متفاوت‌اند، مناطق هشت‌گانه تبریز به ۸۲ حوزه<sup>۱</sup> تقسیم و انتخاب خوشه‌ها از این حوزه‌ها و انتخاب پاسخ‌گویان از خوشه‌ها به صورت تصادفی انجام شده است.

**جدول ۱- توزیع نمونه‌ها بر حسب خوشه‌های انتخابی**

نمونه		تعداد خوشه‌ها		مناطق شهرداری
درصد	تعداد	انتخابی	کل	
۲۴/۳	۹۶	۲	۱۳	منطقه ۱
۲۳/۵	۹۳	۲	۱۹	منطقه ۲
۸/۱	۳۲	۱	۱۵	منطقه ۳

۱. ششگلان، منبع، زعفرانیه، ایده‌لی، سیلاب، شمس تبریزی، انقلاب، مفتاح، رضوانشهر، نقه الاسلام، مفتاح، ارم، یوسف‌آباد، زعفرانیه، میرداماد، کوی دانشگاه، مارالان، گلگشت، عباسی، آبرسان، گلپارک، ائل‌گلی، رجائی‌شهر، یاغچیان، آخر عباسی، راهنمایی، شیخ عطار، گلکار، بارنج، وحدت، پرواز، گلشهر، آخر شهناز، حافظ، لاله‌زار، فتحی‌وند، پاستور جدید، چهار راه لاله، شهرک نور، امامیه، سعدی، ارتش، طالقانی، منظریه، رسالت، نصف راه، استاد جعفری، حجتی، میدان ستارخان، امام خمینی، خانه‌سازی، رشدیه، مرزداران، باغمیشه، پاسداران، آذربایجان، کرکج، آخونی، بهار، منجم، قدس، شهید جدیری، لواسان، شهرک اندیشه، شهرک سهند، آناختون، باغ معروف، قره باغی، دارائی، میدان ساعت، چای‌کنار، بازار، باغشمال، یکه دکان، یوسف‌آباد، تجلابی، کندرود، فدک، سجادیه، مایان، خلیل‌آباد.

نمونه		تعداد خوشه‌ها		مناطق شهرداری
درصد	تعداد	انتخابی	کل	
۵/۸	۲۳	۱	۸	منطقه ۴
۶/۱	۲۴	۱	۸	منطقه ۵
۹/۴	۳۷	۱	۷	منطقه ۶
۱۸/۵	۷۳	۱	۵	منطقه ۷
۴/۳	۳۷	۱	۷	منطقه ۸
۱۰۰/۰	۴۱۰	۱۰	۸۲	کل

تغییرات باروری از طریق تعداد فرزند و سایر مؤلفه‌های رفتار باروری همانند سن ازدواج، تعداد فرزند ایده‌آل قبل از ازدواج، استفاده از روش پیشگیری از بارداری و ترجیح جنسی فرزند بررسی شده است:

- تعداد فرزند: تعداد فرزند عبارت از شمار فرزندان زنده به دنیا آورده‌ی زوجین در طول زندگی مشترکشان است.

- سن ازدواج: سن ازدواج عبارت است از سنی که زن به عقد شوهرش درآمده است.

- تعداد فرزند ایده‌آل: تعداد فرزند ایده‌آل تعداد فرزندی است که زن در هنگام ازدواج تمایل داشته در آینده داشته باشد.

- روش‌های پیشگیری: روش‌های پیشگیری عبارت است از کلیه‌ی روش‌هایی که زن یا مرد برای جلوگیری از بچه‌دار شدن از این روش‌ها

استفاده می‌کنند.

**ترجیح جنسی فرزند:** منظور از ترجیح جنسی فرزند، تأکید بر داشتن دختر یا پسر برای زوجی که فقط بخواهد یک فرزند داشته باشد.

گویه‌های تشکیل دهنده‌ی موقعیت اجتماعی - اقتصادی عبارت‌اند از: سطوح تحصیلی ابتدایی = ۱، راهنمایی و متوسطه = ۲، دانشگاهی = ۳. برای بی‌سواد صفر داده شده است.

از زنان خواسته شده است در صورت شاغل بودن، شغل دقیق خود و نیز شغل دقیق همسر را بنویسند. برای رتبه‌بندی مشاغل، از الگوی مطالعه‌ی نایبی و عبداللهیان (۱۳۸۱) استفاده شده است که در نهایت در طبقات؛ مشاغل کم‌رتبه = ۱، مشاغل میان‌رتبه = ۲ و مشاغل بلندمرتبه = ۳ طبقه‌بندی شده است. برای زنان خانه‌دار و نیز همسران بیکار نمره صفر اختصاص داده شده است.

طبقه‌ی اقتصادی خود اظهاری در رابطه با ساکنین محله به صورت پایین = ۱، متوسط = ۲ و بالا = ۳ رتبه‌بندی شده است. میزان درآمد و هزینه‌ی خانواده هر کدام جداگانه و در قالب سؤال باز به صورت هزار تومان در ماه (در مقیاس کمی) پرسیده شده است و بر اساس حداکثر و حداقل به دست آمده در نمونه‌ی مطالعه شده، در سه سطح پایین = ۱، متوسط = ۲ و بالا = ۳ تقسیم‌بندی شده‌اند. این تقسیم‌بندی بر اساس فراوانی جمععی، کمتر از ۳۵ درصد = پایین، در دامنه‌ی ۷۵ - ۳۵ درصد = متوسط، و بالاتر از ۷۵ درصد = بالا انجام شده است.

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

مالکیت مسکن: داشتن مسکن = ۱ و نداشتن مسکن = ۰.

حاصل جمع نمرات اختصاص یافته برای گویه‌های تحصیلات، شغل زن و همسر، درآمد و هزینه خانواده، طبقه اظهاری و مسکن، نمره‌ی نهایی موقعیت اجتماعی - اقتصادی پاسخ‌گو را در دو سطح فاصله‌ای (نمره‌ای بین ۶ الی ۱۹) و ترتیبی (پایین = نمره بین ۶ الی ۹، متوسط = نمره بین ۱۰ الی ۱۴ و بالا = نمره بین ۱۵ الی ۱۹) شکل می‌دهد.

- نگرش به نوگرایی: نگرش به نوگرایی در زمینه‌ی نوآوری رفتاری و اعتقادی زنان است. این متغیر از طریق میزان موافقت با گویه‌های ادامه تحصیل دختران در مقاطع بالاتر، سقط جنین یکی از راه‌های جلوگیری از باروری ناخواسته، جلوگیری از بارداری دخالت در کار خداست، در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شده است. نمره‌ای که برای این متغیر به دست می‌آید، بین ۳ الی ۱۵ در نوسان است.

موافقت زنان با مشوق‌های افزایش مولید که به کاهش یا افزایش مولید در جامعه توجه دارد؛ از طریق سؤال‌های دادن وام و هدیه به مادران باردار توسط دولت، دادن تسهیلات به مادران (به‌خصوص مادران شاغل)، قطع یارانه‌ی والدین تک فرزند و طرح آتیه‌ی نوزاد سنجیده شده است.

#### ۴- ویژگی‌های جمعیتی - باروری زنان

زنان با میانگین سنی ۳۲ سال، پنج سال کوچک‌تر از میانگین سنی همسرانشان هستند. ۹/۸٪ زنان بی‌سواد یا تحصیلات ابتدایی، ۶۰/۸٪ تحصیلات راهنمایی، متوسطه و دیپلم و ۲۹/۴٪ تحصیلات دانشگاهی دارند.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

۷۴٪ زنان خانه‌دار و ۲۶٪ شاغل هستند.

از شغل زنان ۸۲٪ به مشاغل کم مرتبه، ۱۶٪ مشاغل میان مرتبه و ۱٪ مشاغل بلند مرتبه مربوط است. عمده‌ترین شغل زنان عبارت است از معلم، کارمند اداری، خیاط، مدیر مدرسه، آرایشگر، کارگر کارخانه، بوتیک‌دار، کادر داروخانه، دارنده‌ی تولیدی پوشاک، قالیباف و بافنده. ۴۲٪ شغل همسران پاسخ‌گویان متعلق به مشاغل کم‌مرتبه، ۵۲٪ مشاغل میان مرتبه و ۵٪ مشاغل بلند مرتبه هستند. عمده‌ترین شغل همسر نیز عبارت است از معلم، کارمند، مهندس، بوتیک‌دار، مشاور املاک، کارگر، مکانیک، راننده تاکسی، آرایشگر، قالیباف، کاشی‌کار، خیاط، میوه فروش، مستخدم مدرسه، صافکار، تاسیسات لوله‌کشی، نانوا و جوشکار.

میانگین درآمد ماهیانه‌ی خانواده حدود نهصد هزار تومان (۹۰۱۷۸۲) و میانگین هزینه ماهیانه‌ی خانواده حدود هفتصد هزار تومان (۷۳۳۱۵۸) است. میانگین سن ازدواج زنان ۲۰/۶ و میانگین مناسب‌ترین سن برای اولین بارداری زن از نظر پاسخ‌گویان ۲۲ سال است. محل تولد ۴٪ پاسخ‌گویان روستا، ۷۰٪ مرکز استان و ۲۶٪ سایر شهرهای استان است. محل زندگی ۳۶٪ پاسخ‌گویان مناطق سطح پایین شهر تبریز، ۲۸٪ سطح متوسط و ۳۶٪ سطح بالاست. ۲۱٪ زنان در طبقه‌ی اقتصادی خود اظهاری پایین، ۵۸٪ متوسط و ۲۰٪ بالا طبقه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش، پایگاه اجتماعی-اقتصادی محاسبه شده برای ۲۶٪ زنان پایین (بین ۶ الی ۹ نمره)، ۴۴٪ متوسط (بین ۱۰ الی ۱۴ نمره) و ۲۹٪ بالا (بین ۱۵ الی ۱۹ نمره) به دست آمده است.



## ۵- پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین و سن ازدواج

میانگین سن ازدواج در سطوح مختلف تحصیلی، طبقات درآمدی و هزینه، وضع اشتغال زنان و طبقه خود اظهاری پاسخ‌گو در جدول شماره‌ی ۲ مقایسه شده است. مقایسه میانگین سن ازدواج در سطوح مختلف تحصیلی از طریق آماره تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت معنی‌داری را در سطح یک درصد نشان می‌دهد ( $F=39/9$ ). بر اساس نتایج آزمون شفه، واریانس سن ازدواج در زنان بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدائی (۱۸/۱) با زنان دارای تحصیلات راهنمایی، متوسطه و دیپلم (۱۹/۹) تفاوت معنی‌دار ندارد، بلکه میانگین سن ازدواج زنان دانشگاهی (۲۳/۱) تفاوت معنی‌داری با افراد سایر سطوح تحصیلی دارد. همچنین، نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد در سطوح مختلف درآمدی و هزینه‌ی خانواده، تفاوت معنی‌داری در میانگین سن ازدواج زنان وجود دارد (مراجعه به جدول شماره‌ی ۲). پایین‌ترین میانگین سن ازدواج متعلق به زنانی است که درآمد و هزینه‌ی خانواده کمتری دارند و برعکس، بالاترین میانگین متعلق به زنانی است که درآمد و هزینه‌ی خانواده بیشتری دارند.

در جدول شماره‌ی ۲ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در زمینه‌ی میانگین سن ازدواج زنان بر حسب نوع شغل آنها رابطه‌ی معنی‌داری را در سطح یک درصد نشان می‌دهد. آزمون شفه نشان می‌دهد تفاوت میانگین سن ازدواج زنان در بین هر سه مشاغل کم‌مرتبه (۱۹/۹)، میان مرتبه (۲۳/۸) و بلند مرتبه (۲۶/۴) معنی‌دار است. از این رو، زنانی که شغل بلندمرتبه دارند، احتمالاً باروری کمتری را نیز نسبت به سایر زنان تجربه خواهند کرد، زیرا

دوره‌ی فرزندآوری این زنان در نتیجه افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان می‌دهد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی محاسبه شده برای زوجین و میانگین سن ازدواج زنان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. مطابق با جدول شماره‌ی ۲ زنان متعلق به پایگاه بالا، میانگین سن ازدواج بالایی (۲۲/۳) نسبت به سطوح پایگاه پایین (۱۹/۸) و متوسط (۲۰/۳) دارند. موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در سن ازدواج آنها ایفا می‌کند که به نوبه‌ی خود نقش مؤثری در تغییرات باروری آنها خواهد داشت.

## ۶- پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین و تعداد فرزند، تعداد فرزند ایده‌آل و ترجیح جنسی فرزند

در جدول شماره‌ی ۲ تعداد فرزند زنان پاسخ‌گو مقایسه شده است. این مقایسه بین طبقات متغیرهای درآمد، هزینه، شغل زنان، طبقه‌ی اقتصادی خود اظهاری و در نهایت پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین، تفاوت غیرمعنی‌داری را نشان می‌دهد. نتایج برآمده از تحلیل واریانس تنها وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین سطح تحصیلات زنان و تعداد فرزند را نشان می‌دهد. مطابق نتیجه‌ی آزمون شفه و نتایج جدول شماره‌ی ۲، واریانس تعداد فرزند بین سطوح تحصیلی راهنمایی، متوسطه و دیپلم (۱/۷ فرزند) و دانشگاهی (۱/۴ فرزند) تفاوت نداشته، بلکه زنان بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی - با میانگین تعداد فرزند ۳/۲ - تفاوت معنی‌داری با سایر سطوح تحصیلی دارند. شغل همسر نیز با میانگین تعداد فرزند رابطه‌ی معنی‌داری دارد. در

جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود زنانی که همسرشان مشاغل بلند مرتبه‌ای دارند از میانگین تعداد فرزند کمتری نسبت به سایر مشاغل برخوردارند. بین تحصیلات زنان با تعداد فرزند ایده‌آل (در سطح یک درصد) رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. مطابق جدول شماره ۲ با حرکت از سطوح تحصیلی پایین به بالا از تعداد فرزندان دلخواه زنان کاسته می‌شود. نتایج آزمون شفه نشان می‌دهد زنانی که تحصیلات دانشگاهی دارند نسبت به زنان بی‌سواد و نیز زنان دارای سایر سطوح تحصیلی گرایش به داشتن فرزند کمتری دارند. این امر نشان می‌دهد که زنان با تحصیلات دانشگاهی بیشتر به کیفیت زندگی فرزند و نیز فرصت‌های از دست رفته خود توجه دارند تا کمیت فرزند. در زمینه‌ی اثرگذاری متغیرهای مستقل در ترجیح جنسی فرزند، تحصیلات زنان تنها متغیر معنی‌دار از بین مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی پایگاه اجتماعی - اقتصادی است. مقادیر به دست آمده از آزمون‌های کای اسکوئر ( $X^2=14/3$ ) و ضریب توافقی ( $CC=0/18$ ) مطابق با جدول شماره ۲ نشان می‌دهد بین سطح تحصیلات زنان و ترجیح جنسی فرزند رابطه‌ی معنی‌داری در سطح ۵٪ وجود دارد. هر چند که بیشتر زنان در مواجهه با ترجیح جنسی فرزند، خود را بی‌تفاوت نشان داده‌اند، ولی برای زنان بی‌سواد و زنان با تحصیلات ابتدایی ترجیح جنسی به نفع دختر صفر و به نفع پسر حدود ۳۲٪ است. در سطوح تحصیلی راهنمایی و متوسطه این شکاف ترجیح جنسی کاهش یافته و در سطوح تحصیلی دانشگاهی عکس سطوح تحصیلی ابتدایی و بی‌سواد اتفاق افتاده است. این نتایج نشان می‌دهد که زنان بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی هنوز هم بر پاره‌ای از عقاید سنتی در مورد فرزند پسر پای‌بندند.



بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

سطح شغل همسر	بازگاه کل			هزینه			طبقه اظهاری			درآمد			سطح شغل			سطوح تحصیلی			متغیرها:				
	بلا	متوسط	بیشین	بلا	متوسط	بیشین	بلا	متوسط	بیشین	بلا	متوسط	بیشین	کم	متوسط	بیشین	متوسط	بیشین	متوسط		بیشین			
۲	۷/۱۵	۷/۱۴	۷/۱۳	۷/۱۷	۷/۱۸	۷/۱۹	۷/۲۳	۷/۱۴	۷/۱۶	۷/۱۷	۷/۲۱	۷/۲۸	۷/۱۸	۷/۲۰	۷/۱۸	۷/۲۰	۷/۱۸	۷/۱۸	۷/۱۸	متغیرهای آینده‌نگار فرزند			
۱۸	۱۹۸	۱۵۸	۱۱۶	۱۱۸	۱۳۱	۱۴۳	۷۸	۲۲۷	۷۹	۱۱۳	۱۱۹	۱۳۳	۳۱۶	۳۳۱	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	تعداد			
F=۰/۷۸																							
F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸			F=۰/۷۸		
۶/۲	۷/۶	۱۰/۹	۸/۷	۸/۷	۸/۲	۱۳/۲	۷/۷	۷/۷	۶/۸	۵/۷	۹/۸	۹/۸	۹/۴	۹/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	نام			
۷/۵	۶/۸	۶/۳	۶/۳	۶/۸	۶/۸	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	۶/۳	مردت			
۱۸/۸	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	مردت			
۰	۴/۴	۷/۲	۷/۱	۷/۸	۷/۸	۷/۵	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	سایر			

سطح شغل همسر	پایگاه گل		هزینه		طبقه اظهاری		درآمد		سطح شغل		سطوح تحصیلی		متغیرها:	
	بلند مرتبه	متوسط	پایین	بلند مرتبه	متوسط	پایین	بلند مرتبه	متوسط	بلند مرتبه	متوسط	متوسط	پایین		متوسط
۰	۱۳۴	۱۱۸	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۲۲	۱۰۲	۱۲۵	۰	۲۰۶	۱۰۸	۱۲۳	۰	آزمون معنی داری $X^2=1733^*$ Cramers $V=.143^*$
	۱۷۶	۱۸۳	۱۷۷	۱۹۵	۲۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۱۹۸	۰	۱۳۲	۱۸۸	۱۹۸	۳۱۶	
	۸۵	۶۸	۶۶	۶۹	۶۳	۷۱	۷۰	۷۱	۱۰۰	۷۰	۷۳	۶۸	۶۸	
۱۵	۱۳۴	۱۱۸	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۲۲	۱۰۲	۱۲۵	۰	۲۰۶	۱۰۸	۱۲۳	۰	آزمون معنی داری $X^2=1476^*$ CC=.189
	۱۷۶	۱۸۳	۱۷۷	۱۹۵	۲۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۱۹۸	۰	۱۳۲	۱۸۸	۱۹۸	۳۱۶	
	۸۵	۶۸	۶۶	۶۹	۶۳	۷۱	۷۰	۷۱	۱۰۰	۷۰	۷۳	۶۸	۶۸	
۸۵	۱۳۴	۱۱۸	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۲۲	۱۰۲	۱۲۵	۰	۲۰۶	۱۰۸	۱۲۳	۰	آزمون معنی داری $X^2=631$ CC=.117
	۱۷۶	۱۸۳	۱۷۷	۱۹۵	۲۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۱۹۸	۰	۱۳۲	۱۸۸	۱۹۸	۳۱۶	
	۸۵	۶۸	۶۶	۶۹	۶۳	۷۱	۷۰	۷۱	۱۰۰	۷۰	۷۳	۶۸	۶۸	
۸۵	۱۳۴	۱۱۸	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۲۲	۱۰۲	۱۲۵	۰	۲۰۶	۱۰۸	۱۲۳	۰	آزمون معنی داری $X^2=429$ CC=.115
	۱۷۶	۱۸۳	۱۷۷	۱۹۵	۲۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۱۹۸	۰	۱۳۲	۱۸۸	۱۹۸	۳۱۶	
	۸۵	۶۸	۶۶	۶۹	۶۳	۷۱	۷۰	۷۱	۱۰۰	۷۰	۷۳	۶۸	۶۸	

\*معنی داری در سطح  $p < 0.01$  / \*معنی داری در سطح  $p < 0.1$  / \*معنی داری در سطح  $p < 0.001$

منبع: یافته‌های تحقیق



به زنان متولد روستاست. طبق نتیجه‌ی آزمون شفه، واریانس باروری در بین زنان متولد سایر شهرها و مرکز استان تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد، بلکه تفاوت معنی‌دار مربوط به زنان متولد روستا با زنان متولد شهری است. می‌توان گفت پایین بودن میانگین تعداد فرزند برای زنان متولد و بزرگ شده شهر بیشتر به این دلیل است که برای والدین شهری، فرزند بیشتر به دلایلی از قبیل ورود زنان به بازار کار و هزینه‌ی فرصت مادران و نیز هزینه‌های اقتصادی فرزندان، چندان مطلوب نیست.

جدول ۳- میانگین تعداد فرزند بر حسب گذراندن دوران زندگی قبل از ازدواج و محل تولد زنان

مقدار آزمون	میانگین	تعداد	متغیرها:	
$t = 2/48^*$	۱/۷۷	۳۲۵	شهر	گذراندن دوران زندگی
	۲/۴۳	۳۰	روستا	
$F = 3/35^*$	۲/۴۲	۱۴	روستا	محل تولد
	۱/۸۴	۹۴	سایر شهرها	
	۱/۷۶	۲۴۲	مرکز استان	

\* معنی‌داری در سطح  $P < 0/05$

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره‌ی ۴ مقایسه‌ی میانگین سن ازدواج در سطوح مختلف نوگرایی از طریق آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه تفاوت معنی‌داری



را در سطح یک درصد نشان می‌دهد. مطابق با نتایج آزمون شفه، در میانگین سن ازدواج بین زنانی که نگرش به نوگرایی پایینی دارند (۱۹/۸) با زنانی که نگرش به نوگرایی متوسط (۲۰/۴) و بالایی (۲۱/۳) دارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در زمینه‌ی میانگین تعداد فرزند در سطوح مختلف نوگرایی نشان می‌دهد، واریانس تعداد فرزند در زنانی که نگرش به نوگرایی پایین (۲) و متوسط (۱/۸) دارند تفاوت نداشته و زنانی که نگرش به نوگرایی بالایی (۱/۶۳) دارند، تفاوت تعداد فرزندشان با سایر سطوح نگرش به نوگرایی معنی‌دار است. همچنین بین سطح نگرش به نوگرایی و تعداد فرزند ایده‌آل رابطه‌ی معنی‌دار وجود ندارد. درباره‌ی اثرگذاری سطوح نگرش به نوگرایی در روش پیشگیری از بارداری، مقادیر به دست آمده از آزمون کای اسکوئر و ضریب کرامر نشان می‌دهد بین متغیرهای یاد شده رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. هر چند در هر سه سطح نگرش به نوگرایی روش موقت بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است، ولی بیشترین درصد برای زنانی است که سطح نگرش به نوگرایی بالایی دارند. نتایج آزمون کای اسکوئر نشان می‌دهد ترجیح جنسی در هر سه سطح نگرش به نوگرایی شبیه هم است. می‌توان استنباط کرد، با توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی جامعه و تغییر موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی افراد و در نتیجه با افزایش نگرش به نوگرایی، میانگین سن ازدواج افزایش می‌یابد و زوجین در زندگی تمایل چندانی برای داشتن فرزند بیشتر و یا ترجیح جنسی فرزند نشان نمی‌دهند.

جدول ۴- توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب مؤلفه‌های رفتار باروری و به تفکیک نگرش به نوگرایی

متغیر	میانگین سن ازدواج		میانگین تعداد فرزند		میانگین تعداد فرزند ایده‌آل		روش‌های پیشگیری			ترجیح جنسی			
	میانگین	مقدار	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	بار	به قطع دخیل	به قطع دائم	فرقی نمی‌کند			
پایین	۱۹/۸	۸۸	۲/۰۹	۷۶	۲/۰۴	۸۶	۱۰/۱	۵۶/۵	۳۷/۵	۵/۸	۱۰/۲	۱۵/۹	۷۳/۹
متوسط	۲۰/۴	۱۶۱	۱/۸۴	۱۳۳	۲/۳۰	۱۵۹	۶/۴	۶۰	۳۱/۲	۲/۴	۱۵	۱۸/۸	۶۵/۶
بالا	۲۱/۳	۱۵۳	۱/۶۳	۱۳۳	۱/۸۸	۱۵۲	۱۰/۷	۷۵/۴	۱۱/۵	۲/۵	۱۰/۵	۱۷	۷۲/۵
آزمون معنی‌داری	۴/۷۳۳ <sup>***</sup> F =		۵/۵۲۵ <sup>***</sup> F =		F = ۲/۶۲۴		X <sup>2</sup> = ۱۸/۰۴۴ <sup>***</sup> Cramers' V = ۰/۱۳۹			X <sup>2</sup> = ۴/۲۵۲			

\*\*\*معنی‌داری در سطح  $0/01 < p < 0/01$

منبع: یافته‌های تحقیق

## ۹- تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل در سطح باروری

جهت بررسی هم‌زمان تأثیر متغیرهای مستقل در تعداد فرزند از آزمون رگرسیون خطی گام به گام استفاده شده است. با توجه به مقدار F و سطح معنی‌داری، سه متغیر تحصیلات بی‌سواد و ابتدایی، داشتن مسکن شخصی، تحصیلات دانشگاهی رابطه معنی‌داری ۰/۰۱، و متغیرهای تحصیلات راهنمایی و متوسطه و شغل کم‌مرتبه شوهر در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (۰/۵۶) نشان از همبستگی بالا بین متغیرهای موجود در معادله‌ی رگرسیون است. با توجه به ضریب تعیین شده ملاحظه می‌شود حدود ۳۱٪ از تغییرات تعداد فرزند زنان توسط پنج متغیر سطوح تحصیلی بی‌سواد و ابتدایی، مالکیت مسکن شخصی، تحصیلات

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

دانشگاهی، تحصیلات راهنمایی و متوسطه و در نهایت شغل کم مرتبه شوهر تبیین می‌شود. در بین متغیرهای مستقل در معادله‌ی رگرسیون، سطح تحصیلی بی‌سواد و ابتدایی با ۲۳٪ بیشترین سهم را در تغییرات تعداد فرزند زنان دارد. بر اساس ضریب بتاهای به دست آمده، رابطه‌ی سطوح تحصیلی بی‌سواد و ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و نیز داشتن مسکن شخصی با تعداد فرزند مستقیم است و از طرف دیگر، سطح تحصیلی دانشگاهی و شغل کم مرتبه همسر رابطه معکوسی با متغیر وابسته دارد. با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، زنانی که شغل همسرشان در مرتبه‌ی پایین است باروری خود را در سطح پایینی نگه داشته‌اند، زیرا هزینه‌های اقتصادی فرزندان برای خانواده‌هایی که موقعیت اقتصادی ضعیفی دارند، محسوس‌تر است.

جدول ۵- پیش‌بینی تعداد فرزند بر حسب متغیرهای تشکیل دهنده پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین

متغیرها	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵	
	$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B
مقدار ثابت	-	۱/۷	-	۱/۷	-	۱/۵	-	۱/۴	-	۱/۵
تحصیلات بی‌سواد و ابتدایی	۰/۴۹**	۱/۶	۰/۴۹**	۱/۶	۰/۴۷**	۱/۵	۰/۵۱**	۱/۶	۰/۵۲**	۱/۷
داشتن مسکن شخصی					۰/۱۴**	۲/۳	۰/۲۴**	۲/۵	۰/۲۱**	۲/۲
تحصیلات دانشگاهی					-۰/۱۷**	-۰/۴۴	-۰/۱۳**	-۰/۳۴	-۰/۱۳**	-۰/۳
تحصیلات راهنمایی و متوسطه									۰/۱۵*	۰/۳۵
شغل کم مرتبه شوهر									۰/۱۳*	-۰/۳
ضریب همبستگی (R)	۰/۴۹		۰/۵۲		۰/۵۴		۰/۵۵		۰/۵۶	

مدل ۵	مدل ۴		مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرها
	$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	
۰/۳۲		۰/۳۰		۰/۶۹		۰/۲۷		۰/۲۴	ضریب تعیین (R)
۰/۳۶		۰/۲۹		۰/۲۸		۰/۲۶		۰/۲۳	ضریب تعیین شده
۲۵/۶		۳۰/۰		۳۷/۷		۵۰/۱		۸۵/۸	ضریب F

\*معنی داری در سطح  $0/05 < P < 0/01$  \*\*معنی داری روابط در سطح  $P < 0/01$

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۱۰- نگرش زنان در زمینه‌ی سیاست‌های تشویقی افزایش موالید

یکی از اهداف این مقاله، بررسی دیدگاه‌های زنان در مورد سیاست‌های تشویق باروری است. بر اساس اطلاعات جدول شماره ۵، در سطوح مختلف پایگاه (پایین، متوسط، بالا) درصد زنانی که مخالف افزایش موالید از طریق سیاست‌های تشویقی هستند، بسیار بیشتر از موافقان آن است. با توجه به معنی دار نبودن آزمون‌های استفاده شده می‌توان گفت، همهی افراد - با سطوح اجتماعی و اقتصادی مختلف - تمایلی برای بالا بردن فرزندآوری از طریق سیاست‌های تشویقی ندارند و بیشترشان با سیاست تشویق موالید (دادن وام و هدیه به والدین، دادن تسهیلات به مادران به‌خصوص مادران شاغل، قطع یارانه والدین تک فرزندی) مخالف هستند. امروزه، افراد از یک طرف با توجه به ارزیابی هزینه- فایده فرزندآوری تصمیم به داشتن فرزند می‌گیرند و از طرف دیگر، فراهم شدن شرایط اجتماعی جهت حضور زنان در جامعه این قشر را در متن روابط و کنش‌های اجتماعی در جامعه قرار

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره ۵ می‌توان استنباط کرد امروزه تشویق پولی - مالی کوتاه مدت نمی‌تواند در بالا بردن فرزندآوری زوجین چندان مؤثر باشد، زیرا مخالفت با برنامه‌های تشویقی در زنان متعلق به پایگاه پایین که هدف عمده این برنامه‌های تشویقی است، تقریباً نزدیک زنان متعلق به پایگاه متوسط و بالاست.

**جدول ۶- توزیع نسبی زنان بر حسب سیاست‌های تشویقی افزایش مولید و به تفکیک پایگاهشان**

متغیرها	پایگاه پایین	پایگاه متوسط	پایگاه بالا
دادن وام	۲۴/۷	۲۰/۳	۱۶/۵
	۷۵/۳	۷۹/۷	۸۳/۵
قطع یارانه	۱۱/۴	۶/۸	۶/۱
	۸۸/۶	۹۳/۲	۹۳/۹
دادن تسهیلات	۱۸/۲	۱۴/۴	۱۶/۵
	۸۱/۸	۸۵/۶	۸۳/۵

#### منبع: یافته‌های تحقیق

در مورد طرح «آتیه‌ی نوزاد»، پاسخ‌گویان دارای پایگاه بالا، در مورد این طرح نظر مساعد و هم‌سوایی ندارند و بیشتر از افراد سایر طبقات با این طرح مخالفت می‌کنند. ایشان معتقدند که این طرح نمی‌تواند تضمینی برای آینده‌ی فرزندانشان باشد. در میان پاسخ‌گویان دارای پایگاه متوسط و پایین درصد مخالفت تفاوت چندانی با درصد موافقت ندارد. ۶۱٪ از افراد متعلق به پایگاه پایین موافق طرح، ۳۷٪ مخالف و ۱۷٪ نظری ندارند. در زنان با پایگاه

۱. واریز یک میلیون تومان به حساب بانکی هر نوزاد تازه متولد شده و دادن سکه به مادران باردار.

متوسط ۵۱٪ موافق، ۳۴٪ مخالف و ۱۵٪ نظری ندارند. در زنان با پایگاه بالا ۳۱٪ موافق ۶۰٪ مخالف و ۹٪ نظری ندارند. کسانی که با طرح آتیه‌ی نوزاد موافق‌اند، موافقتشان در جمله‌ی «اگر برنامه‌ای برای طولانی مدت باشد طرح خوبی است، زیرا این حساب پس اندازی می‌شود برای آتیه نوزاد». خلاصه می‌شود. می‌توان دلایل کسانی که مخالف طرح بودند را این‌طور خلاصه کرد: «مشکلات مالی و هزینه‌های بعد از تولد فرزند خیلی بیشتر از مبلغ در نظر گرفته شده برای آتیه‌ی نوزاد است. برای حل مشکلات نسل آینده (در زمینه سلامت، تحصیل و اشتغال) حمایت دولت باید بیشتر از این باشد تا خانواده‌ها با آرامش خاطر فرزند به دنیا بیاورند و کمکی باشد برای کاهش دغدغه‌های والدین نسبت به آینده‌ی فرزندانشان. یک میلیون تومان و یک سکه نمی‌تواند آینده فرزندان را تضمین کند. خانواده‌ها باید خودشان با توجه به وضعیت اقتصادی نسبت به داشتن فرزند تصمیم بگیرند».

## ۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

ایران به عنوان کشوری در حال انتقال از لحاظ ساخت سنی و سطح توسعه‌ای، طی دهه‌های اخیر کاهش باروری سریعی را تجربه کرده است. تفاوت‌های باروری در مناطق و زیرگروه‌های جمعیتی تحت تأثیر عوامل و شرایط متفاوتی تبیین می‌شود. موقعیت اجتماعی-اقتصادی (پایگاه) زوجین و اندیشه‌های متمایز حاصل از آن در زمینه رفتار باروری، یکی از مفروض‌های مهم و اساسی در مطالعات باروری جامعه‌ی ایران امروزی می‌تواند مطرح باشد. پرسش محوری مقاله این است که موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی

زوجین چه تأثیری در رفتار باروری آنها دارد؟

مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در میانگین سن ازدواج زنان، تحصیلات و نوع شغل زنان است که بالاترین آن به زنان با تحصیلات دانشگاهی و مشاغل بلند مرتبه اختصاص دارد. این گروه از زنان بیشتر به فکر ارزیابی هزینه‌های فرصت ناشی از ازدواج هستند و احتمالاً در آینده باروری کمتری را تجربه خواهند کرد، زیرا با بالا رفتن سن ازدواج آنها، دوره‌ی فرزندآوری‌شان کاهش خواهد یافت. عباسی شوازی و حسینی چاوشی در تحقیق خود (۱۳۹۱) متذکر شده‌اند در شرایط باروری پایین، تأثیر سن ازدواج در باروری افزایش خواهد یافت. در مورد ایران، تأثیر افزایش سن ازدواج در باروری از حدود ۱۴٪ در دهه‌ی ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به حدود ۳۵٪ در دهه‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ افزایش یافته است.

متغیر تحصیلات در استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری نیز نقش دارد. بیشترین درصد به کارگیری روش موقت در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی است. این امر نشان دهنده‌ی آگاهی بیشتر این گروه از زنان درباره‌ی برنامه‌های تنظیم خانواده است. بالاترین میانگین تعداد فرزند مربوط به زنان بی‌سواد و آنهایی است که تحصیلات ابتدایی دارند، کمترین آن هم مربوط به زنان با تحصیلات دانشگاهی است. بنا به نظر کالدول، تحصیلات از طریق کاهش منافع و افزایش هزینه‌های ماهیت سرمایه‌ای فرزندان، باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین با تحصیلات بیشتر به دنبال فرزندان شایسته‌تری هستند و اینکه اگر یک مادر با سطح تحصیلات

خوب نیروی کار را ترک کند، هزینه‌های مربوط به فرصت از دست رفته بالاتر خواهد بود (لوکاس و میر، ۱۳۸۳). همچنین زمانی که والدین در اوج درگیری‌های شغلی خود هستند، معمولاً زادوولد به تعویق می‌افتد که با نتایج پژوهش‌های پیشین در ایران (عباسی شوازی، ۱۳۸۳؛ رشیدی، ۱۳۷۹؛ هزار جریبی و عباس‌پور، ۱۳۸۹) نیز همسو است.

بر مبنای نظریه‌ی انتقال جمعیتی، در مسیر حرکت به توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه نگرش افراد تغییر پیدا می‌کند. به طوری که با تغییر ساختار جامعه و تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی طی سال‌های اخیر نسبت به دهه‌های قبل و در نتیجه‌ی آن با تغییر ساختار خانواده‌ها، تمایلات کاهش باروری تقریباً در بین بیشتر زوجین نهادینه شده است. در این مطالعه زنان متعلق به هر سه طبقه پایگاه اجتماعی-اقتصادی تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند که بیشتر مرتبط با هزینه‌های اقتصادی آینده و نیز کیفیت زندگی فرزندانشان است. یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که نگرش آنها در راستای نوگرایی است، میانگین سن ازدواج بالایی داشته و در مقایسه با سایر زنان فرزندان کمتری دارند. در جامعه‌ی شهرنشین ایران (۷۲٪ در سرشماری سال ۱۳۹۰ در مقایسه با ۳۱٪ در سرشماری سال ۱۳۳۵) زنان بیشتر جنبه‌ی احساسی داشتن فرزند و هزینه‌های اقتصادی فرزندان را در نظر می‌گیرند. بر اساس نظریه نوتشتاین، کاهش روند باروری تحت تأثیر عوامل فردگرایی و افزایش سطح خواسته‌های زندگی شهری و صنعتی و نوگرایی است که به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد



بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

را از بین می‌برد. در قالب نظریه‌ی لستاق می‌توان عنوان کرد که تغییرات اجتماعی و نوگرایی و در نتیجه آن انتشار ایده‌های جدید (همراه با برنامه‌های تنظیم خانواده) در کاهش باروری تأثیرگذار است.

بر اساس نظریه‌ی بکر، می‌توان گفت زوجین امروزی با توجه به سطح هزینه و درآمد خود (وضعیت اقتصادی خانواده) نسبت به داشتن فرزند تصمیم می‌گیرند و فرزندان را به عنوان کالای اقتصادی فرض می‌کنند. از نگاهی دیگر، با توجه به موقعیت اجتماعی - اقتصادی خود به کیفیت زندگی فرزند خود (آینده‌نگری برای آنان در زمینه سلامت، اشتغال و آموزش) می‌اندیشند. نکته تأمل برانگیز اینکه بیشتر زنان تأکید داشتند برای بالا بردن تعداد فرزندان باید زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه توسعه پیدا کند، نه اینکه مشوق‌های مالی کوتاه مدت ارائه شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان عنوان کرد، در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی برای بالا بردن سطح باروری در جامعه‌ی و اعمال سیاست‌های افزایش جمعیت، بهتر است تغییر و تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه‌ی ایران نسبت به دهه‌های قبل و نیز تغییرات نگرشی زوجین مورد توجه قرار گیرد. با مشوق‌های پولی - اقتصادی لحظه‌ای و مقطعی نمی‌توان تحولات نگرشی و رفتاری محدود کننده‌ی سطح باروری که در طول چندین دهه شکل گرفته است را تغییر داد. این امر (سیاست‌های تشویق باروری) نیاز به زمان و برنامه‌های بلند مدت داشته و برنامه‌های ترکیبی اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی مهم‌تر و مؤثرتر از برنامه‌های صرفاً اقتصادی است. با توجه به اینکه

زنان متعلق به هر سه سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی بیشتر به هزینه‌های اقتصادی آینده و نیز کیفیت زندگی فرزندشان توجه دارند تا کمیت فرزند، بنابراین با اتخاذ سیاست‌های تشویقی بلند مدت در جهت افزایش شمار موالید می‌توان گام برداشت.

همچنین باید به افزایش فرصت‌های شغلی برای جوانان و فراهم آوردن خدمات آموزشی و مشاوره در مورد اشتغال آنها توجه کرد. باید مشکلات مربوط به مسکن در زندگی زوجین بررسی شود. کشورهایی که برنامه‌های تشویق افزایش موالید را به جد دنبال می‌کنند (همانند آلمان، اسپانیا، انگلستان، ایرلند، روسیه، ژاپن، سنگاپور، سوئد، فرانسه و کره جنوبی)، بسته‌های تشویقی خود را چند جانبه، طولانی مدت و با پشتوانه‌ی قانون اعمال کرده‌اند. در کنار اختصاص مبلغ پولی مشخص و مستمر (در قالب حقوق ماهیانه) بر حسب تعداد و رتبه‌ی موالید، بخشودگی مالیاتی والدین، اختصاص مرخصی (به طور متوسط ۱۵ ماه) برای والدین و تضمین بازگشت به کار بعد از مرخصی، اختصاص سبد کالاهای حمایتی، اهدای خانه به والدین (معمولاً از فرزند سوم به بعد)، در اولویت بودن بچه‌دارها در برخورداری از خدمات دولتی، تضمین قانونی دولت نسبت به کمک هزینه‌های مالی فرزندان برای دوران مدرسه و دانشگاه، از جمله سیاست‌های تشویقی دیگر جهت بالا بردن تعداد موالید و در نتیجه افزایش طبیعی جمعیت است.

بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین

منابع

- ◀ اکابری، آرش، محمود محمودی، حجت زراعتی و فرشته مجلسی. «بررسی ارتباط عوامل اجتماعی - اقتصادی و دموگرافیک با باروری»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۵، ش ۱، (۱۳۸۷).
- ◀ بهجتی اردکانی، زهره، محمدجلال عباسی شوازی، فاطمه شیدفر، محسنی معینی و محمدمهدی آخوندی. «تاثیر افزایش سن در باروری و باروری جایگزینی»، پایش، سال ۶، ش ۴، (۱۳۸۶).
- ◀ حسینی، حاتم. «سرمایه انسانی زنان و همگرایی باروری در کشورهای آسیایی»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، ش ۲، (۱۳۸۹).
- ◀ \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰. درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- ◀ حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی. «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۲، (۱۳۸۸).
- ◀ ربانی، رسول و ابراهیم انصاری ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران، سمت.
- ◀ رشیدی، ابراهیم. «بررسی تاثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی موثر بر باروری در شهر دهقان استان اصفهان»، جمعیت، ش ۳۳ و ۳۴، (۱۳۷۹).
- ◀ ضیایی بیگدلی، محمدتقی، صمد کلانتری و محمدباقر عزیززاده اقدم. «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ۵، ش ۲۱، (۱۳۸۵).
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال ۱۳۸۳. تحولات باروری در ایران، تهران، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، (۱۳۸۴).
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی‌مندگاری. «تاثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- بر رفتار باروری آنها در ایران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، ش ۱، (۱۳۸۹).
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاوشی. «تحولات و سیاست‌های اخیر جمعیتی در ایران: ضرورت تدوین سند جامع جمعیت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۷، ش ۱۳، (۱۳۸۹).
- ◀ عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان. «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به باروری»، زن و جامعه، دوره ۴، ش ۲، (۱۳۹۲).
- ◀ قدرتی، حسین، علی یاراحمدی، مریم مختاری، و حسین افراسیابی. «تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۱، ش ۴، (۱۳۹۰).
- ◀ کلاتری، صمد، حسن بیگ محمدی و اکبر زارع شاه‌آبادی. «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳»، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۲، (۱۳۸۴).
- ◀ کوئن، بروس ۱۳۸۳. *درآمدی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی*، تهران، توتیا.
- ◀ لوکاس، دیوید و پاول میر ۱۳۸۱. *درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه‌ی حسین محمودیان*، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۱۳۹۰.
- ◀ ملک، حسن ۱۳۸۶. *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ◀ میرزایی، محمد ۱۳۸۴. *جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ◀ منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس. «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران»، جمعیت و توسعه، دوره ۲۴، ش ۲، (۱۳۸۵).
- ◀ نایی، هوشنگ و حمید عبداللهیان. «تبیین قشربندی اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، (۱۳۸۱).
- ◀ هزارجریبی، جعفر و علیرضا عباس‌پور. «تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی زنان بر میزان باروری زنان: مطالعه موردی شهر تبریز»، *پژوهش اجتماعی*، سال ۳، ش ۶، (۱۳۸۹)
- Abbasi- shavazi, M, J.; M. Hosseini- chavoshi, & P. McDonald. "The

Path to Below Replacement Fertility in the Islamic Republic of Iran”, Asia- pacific population journal, 2(2), (2007).

➤ Adhikari, R. “Demographic, Socio- economic, and Cultural Factors Affecting Fertility Differentials in Nepal”, Biomed Central, pregnancy & childbirth, (2010).

➤ Becker, G. & R. Barro, “Altruism and the Economic Theory of Fertility”, Population and Development Review, (12), (1986).

➤ Cordoba, J. & M. Ripoll, “A Contribution to the Economic Theory of Fertility”, Seminars at the University of North Carolina Chapel Hill and Penn state University, (2011).

➤ Inglehart, R; Norris, P. 2003. “The True Clash of Civilization”, Foreign Policy, N.135.

➤ Kaplan, S.h & J. bock, 2001. “Fertility Theory: Caldwell’s Theory of Intergenerational wealth Flows”, International Encyclopedia of the Social& Behavioral Sciences.

➤ Marks, G. “The Measurement of Socioeconomic Status and Social Class in the Lsay Project”, Australian Council for Educational Research, Technical Paper N14, (2009).

➤ Macunovich, D. (2002). “Population and Development”, New York.

➤ Mitra, p. (2004) “Effect of Socio- economic Characteristics on age at Marriage and total fertility in Nepal”, Journal of health and and population, v:22, N:1.

➤ Ram, B. “Fertility Decline and Social Change: New Trends and Challenges”, Canadian Studies in population, 30(2), (2003).

➤ Skirbekk, V. “Fertility Trends by Social Status”, Demographic Re-

search, 18(5), (2008).

➤ Sobotka, T, V Skirbekk, & D. Philipov, 2010. "Economic recession and Fertility in the Developed World", Vienna Institute of Demography, Vienna, Austria.

➤ United Nation (1990), "Socio- economic development and fertility", V.102.

➤ Willis, R. (1974). "Economic Theory of Fertility Behavior", National Bureau of Economic Research, UMI, City University of new York.